



خلاصه

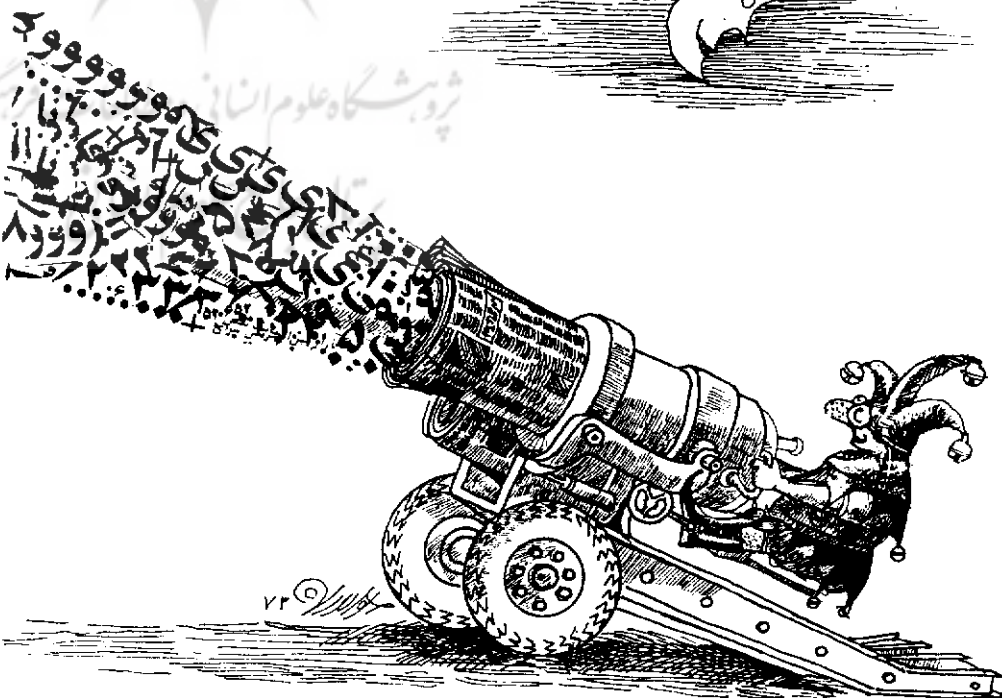
زمانی که بخواهیم سیستم مطبوعاتی کشوری را تعیین کنیم از همان چهار تئوری کلاسیک مطبوعاتی «سیبرت» Siebert، «پیترسون» Peterson، «شرام» Schramm (۱۹۵۶)، به عنوان مرجع استاندارد استفاده می‌کنیم. البته، این تئوری‌ها کامل نیستند؛ «هاچن» Hachten (۱۹۸۱) و «مک‌کوایل» Mac Quail (۱۹۸۳-۱۹۸۷) تئوری‌های جدیدی مطرح کرده‌اند که نیازی به آنها نبود. کوشش‌های دیگری هم برای تکمیل تئوریهای مطبوعاتی صورت گرفت (مریل Merrill ۱۹۷۴، مارتین و چودری Chaudry ۱۹۸۳، لاونستین Lowenstein ۱۹۶۶، نیکسون Nixon ۱۹۷۶). هنوز هم تحقیق ادامه دارد. پایه این تئوری‌ها، قدرت است، ولی هرگز به وضوح در مورد آن توضیح داده نشده است. همچنین، وقتی در مورد آزادی و کنترل صحبت می‌شود، کافی نیست که تنها به مطبوعات توجه شود. انواع مختلف قدرت در فرمول‌بندی تئوری‌های مطبوعاتی در بوته آزمایش قرار می‌گیرند؛ این فرمول‌بندی نیاز به استفاده از دکتترین تجزیه سه قوه دارد که به وسیله «لاک» Locke (۱۷۰۴-۱۶۳۲) به بحث گذاشته شد و به وسیله «بارون دومونتسکیو» (۱۷۵۵-۱۶۸۹) تکمیل شد و شامل قوای مجریه، قضائیه و مقننه می‌شود. زُکن چهارم، وضعیت چهارم یا مطبوعات که به این دکتترین افزوده شد به مطبوعات اجازه داد نقشی مخالف به عنوان بازدارنده و توازن در مقابل دولت بازی کند.

در این نوشتار، پیشنهاد می‌شود که زُکن پنجم - مردم - هم باید افزوده شود. با استفاده از جنبه‌های تجزیه و ترکیب قدرت می‌توان میزان آزادی یا کنترل سیستم‌های مطبوعاتی را با استفاده از این پنج قدرت ترسیم کرد. اساساً این جنبه از قدرت به دیگر قدرت‌ها، به منزله قدرت مجریه می‌نگرد. اگر آن چهار قدرت دیگر برای قوه مجریه مفید هستند پس ترکیب قدرت وجود دارد و سیستم مطبوعاتی، آزاد نیست: در صورت بررسی همه جانبه پیکره قدرت‌ها (فرمانبرداری - کنترل یا هردو) می‌توان ۱۳ نوع سیستم مطبوعاتی به وجود آورد. اگر چه در عمل، تنها می‌توان آنها را به پنج گروه - از شکل مسلسل وار کنترل شدید گرفته تا کاملاً آزاد - طبقه‌بندی کرد.

قدرت و تئوری‌های مطبوعات

محمدصفر هاشم*

ترجمه: مینو بهتاش



هرکشوری، دارای سیستم مطبوعاتی مربوط به خود است که مطبوعات آن کشور بدان عمل می‌کنند. سیستم‌های مطبوعاتی از کشوری به کشور دیگر می‌توانند مشابه یا متفاوت باشند. سیستم‌های مطبوعاتی می‌توانند هنگام شکل‌گیری ارتباطات جمعی کاملاً متحد باشند و از ابتدا، با جامعه رنگ بگیرند (Rivers and Schramm 1696:29). عوامل بسیاری در سیستم‌های مطبوعاتی نفوذ دارند: از آن جمله تاریخ یک کشور، جمعیت، سیاست‌های دولت، توسعه اقتصادی، سیاست‌ها و سیستم قانونی است (Idid, 1989:2).

برای تشخیص و شناسایی یک سیستم مطبوعاتی، تئوری‌های مختلفی ارائه داده شده است. در سال ۱۹۵۶، سه مدرس، مطانی را چاپ کردند که به عنوان یک کار کلاسیک و به نام چهار تئوری مطبوعاتی مورد قبول واقع شد. (Sibert, Peterson, Schramm 1956). چهار تئوری اقتدار Authoritarian، آزادی Liberation، مسئولیت اجتماعی Social Responsibility و شوروی کمونیست Soviet-Communist براساس باورهای صریح و ارزیابی‌های دقیق، که جامعه آنها را پذیرفته، با نام‌های اصل بشر، سرشت جامعه و کشور، رابطه انسان در کشور، اصل دانش و حقیقت (Siebert et.al 1956:2) بنا نهاده شده است. اگر چه با توجه به گذر زمان، توسعه و به وجود آمدن عقاید جدید، این چهار تئوری نمی‌توانند بیانگر سیستم‌های مطبوعاتی جهان باشند. در واقع، تئوری اتحاد جماهیر شوروی با زوال شوروی سابق باید به کلی مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

تئوری‌های دیگری نیز ارائه شدند. در سال ۱۹۸۱، «هاچن» پنج فرضیه مطبوعاتی را با استفاده از همان چهار تئوری به عنوان اساس و پایه پیشنهاد کرد؛ تئوری‌های فرضیه خودمختاری Authoritarian Concept، فرضیه غربی Western Concept (متشکل از تئوری‌های آزادی و مسئولیت اجتماعی)، فرضیه کمونیست Communist Concept و دو فرضیه جدید هم به آنها افزود به نام‌های فرضیه انقلابی Revolutionary Concept و فرضیه توسعه Development Concept (Hachten, 1981). در سال ۱۹۸۳

«مک‌کوئل»، با یک فرمول جدید چهار تئوری اصلی را از «سیپرت» گرفت ولی تئوری آزادی را با تئوری مطبوعات آزاد Free Press Theory عوض کرد و تئوری شوروی کمونیست را به تئوری رسانه‌های شوروی Soviet Media Theory تبدیل کرد. در حالی که تئوری اقتدار و مسئولیت اجتماعی با همان نام‌های اصلی باقی ماندند. «مک‌کوئل» در این روند، با دو تئوری جدید آمد: تئوری توسعه رسانه‌های Development Media Theory و تئوری مشارکت دمکراتیک رسانه‌ای Democratic-Participant Media Theory (مک‌کوئل ۱۹۸۳).

اهمیت امر توسعه «هاچن» را واداشت تئوری فرضیه توسعه را پیشنهاد دهد در حالی که «مک‌کوئل» تئوری توسعه رسانه‌ای (Mc Quail 1981:94) را پیشنهاد داد.

این تئوری‌های جدید و سایر تئوری‌ها، احتمالاً به این دلیل پیشنهاد شدند که تئوری‌های قدیمی نمی‌توانستند سیستم‌های مطبوعاتی مختلف را در جهان و با توجه به تغییر زمان و شرایط تأمین کنند. برای مثال، امکان ندارد بتوان از این چهار تئوری مطبوعاتی، برای توصیف سیستم مطبوعاتی یک کشور در حال توسعه استفاده کرد. بسیاری از کشورهای در حال توسعه از همه تئوری‌ها و تئوری افزوده شده توسعه استفاده می‌کنند که به‌وسیله «هاچن» و «مک‌کوئل» پیشنهاد شده است. اگر چه «سیپرت»، همه کشورهای غیرکمونیست را از کشورهایی که مثل آمریکا و انگلیس به تئوری «آزادی» عمل می‌کنند تحت عنوان تئوری «مسئولیت اجتماعی» مجزا کرد (Siebert, et al. 1959:4) ولی آیا می‌توان تمام کشورهای غیرکمونیست یا کشورهای در حال توسعه را، تحت تئوری مسئولیت اجتماعی طبقه‌بندی کرد؟

«راف» که در مورد ۱۸ کشور عربی مطالعه کرده است، دریافت که چهار تئوری ارائه شده به‌وسیله «سیپرت»، با سیستم‌های مطبوعاتی آن کشورها هماهنگی ندارد. (Rugh, 1979:25)

اگر چه «راف» دریافت که بیشتر وسایل ارتباط جمعی کشورهای عربی، با انواع تئوری «اقتدار» کار می‌کنند و این تئوری هم می‌تواند توصیف‌کننده آنچه باشد که در کشورهای

عربی اتفاق می‌افتد. با وجود این که این چهار تئوری برای کشورهای عربی استفاده می‌شود، تنها موجب می‌شود که رسانه‌های این کشورها را در زمره رسانه‌های جهان قرار دهد و این کلی‌گویی، برای فهم کامل سیستم رسانه‌های کشورهای عربی و حرکت‌های آنان کافی نیست. بنابراین، «راف»، برای توضیح و توصیف سیستم مطبوعاتی ۱۶ کشور از ۱۸ کشور که مطالعه کرده بود، سه تئوری دیگر را پیشنهاد کرد: تئوری بسیج مطبوعاتی The Mobilization Press، تئوری مطبوعات حامی The Loyalist Press و تئوری

■ انواع مختلف قدرت در فرمول‌بندی

تئوری‌های مطبوعاتی در بوت

آزمایش قرار می‌گیرند: این

فرمول‌بندی نیاز به استفاده از

دکترین تجزیه سه قوه دارد که

به‌وسیله «لاک» به بحث گذارده شد و

به‌وسیله «مونتسکیو» تکمیل شد و

شامل قوای مجریه، قضائیه و مقننه

می‌شود.

مطبوعات گوناگون Diverse the Press (Rugh 1979:25)

سیستم‌های مطبوعاتی دیگر، مانند سیستم کشورهای آسیه آن ASEAN هم باید توضیح داده شوند. دلیلش نیز این است که «نظر جهان لیبرال غرب نسبت به بشر، اجتماع و نظام‌های اجتماعی از جمله نقش مطبوعات جهانی، یکسان نیست» (Mehra 1989:3). برخی جوامع، برعکس مرام فردگرایی، دمکراتیک، مساوات طلبی و لیبرال تئوری سیاسی غرب، مرام‌های رضایت‌مندی عمومی و اشتراکی را با تأکید بر لزوم هماهنگی اجتماعی و اشتراکی ارزشیابی می‌کنند. آنها، بشر را به عنوان حیوانی عاقل و منطقی، یا به عنوان an end in himself نمی‌پذیرند (Mehra 1989: 3) اجلاس سیستم‌های مطبوعاتی در آسیه آن، در آخرین گزارش خود تأکید داشت که فلسفه سیستم‌های مطبوعاتی منطقه‌ای بر درک بشر مقدس - هم دارای شعور و هم دارای احساسات - بشر را در زمینه فرهنگش، که در درک جامعه‌اش، اقتدارش و مذهب و معتقداتش ریشه دوانده است فرض

می‌کند. (Mehra 1989:3)

برای مثال در کشور اندونزی، مطبوعات به عنوان یاری‌دهنده توسعه ملی، در چارچوب ایدئولوژی پانچاسیلا (Pancasila) (ایدئولوژی ملی اندونزی) می‌باشند. سیستم مطبوعاتی پانچاسیلا، مستلزم توازن بین آزادی مطبوعات و قبول مسؤلیت از جانب آنهاست (Sinaga 1989:35).

این توازن با آگاهی مطبوعات، اجتماع و دولت برقرار می‌شود؛ یعنی به‌وسیله هر ارگانی که در ساخت کشور سهمی دارند. مالزی در مقابل، ایدئولوژی روکونگارا Rukunegara را دارد؛ متنی، این ایدئولوژی به اندازه ایدئولوژی پانچاسیلا بر مردم نفوذ ندارد، به تعبیری رسانه‌های مالزی به منزله یاری‌دهنده در توسعه کشور هستند. حتی در فیلیپین هم که در قانون اساسی سال ۱۹۸۶ خود، همه جذابیت‌های لیبرال دموکراسی را مراعات کرده است، اشتیاق برای جذب یک فلسفه بومی وجود دارد. وجود انبوه تئوری‌ها و فرضیه‌ها، به‌منظور توصیف سیستم‌های مطبوعاتی در جهان، مرا تشویق می‌کند تا دیدگاه‌های نوینی از تئوری‌ها و فرضیه‌های مطبوعاتی را پیدا کنم. در اینجا از «مک کوئل» یاد می‌کنم که می‌گوید: در این بررسی، نباید عواملی چون قدرت، آزادی، کنترل، مساوات و همبستگی را از نظر دور نگاه داشت (Mc Quail 1987). البته، من در این بررسی تنها به عوامل قدرت، کنترل و آزادی خواهم پرداخت.

«سیبیرت» Siebert et. al (1956:1) می‌گوید: همیشه مطبوعات به شکل و رنگ اجتماع و ساختارهای سیاسی، که در آن چارچوب کار می‌کنند در می‌آیند. این امر، به سیستم کنترل اجتماعی برمی‌گردد که در آن، پیرامون روابط فردی و اشتراکی قضاوت می‌شود. «سیبیرت» اعتقاد داشت که درک این جنبه‌های اجتماعی، پایه هر تفهیم سیستماتیک از مطبوعات است. (Siebert et. al 1956:2) شکل سیستم مطبوعاتی یک کشور - حال چه آزاد یا کنترل شده - به سیاست یا الزامات آن کشور بستگی دارد. کنترل می‌تواند قانونی، سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی باشد. (Rivers and Schramm 1969:2)

تعیین سیستم‌های مطبوعاتی

برای تعیین سیستم‌های مطبوعاتی، راه‌های متعددی وجود دارد. در این بررسی،

سیستم مطبوعاتی به منزله رابطه بین دولت، مردم و مطبوعات است. علمای این رشته، سعی کردند برای توصیف یک سیستم مطبوعاتی، از تئوری استفاده کنند. این تئوری‌ها باید قادر به درک، توصیف و پیش‌بینی پدیده باشند. (Kerlinger 1964:11)، می‌توان تصور کرد که هر کشوری، دولتی متعلق به خود دارد. حال، خواه این دولت نظامی، دیکتاتوری (یک‌نفر یا چند نفر) سلطنتی، Constitutional Monarchy یا یک سیستم دموکراتیک دولتی باشد. حتی سیستم دموکراتیک دولتی هم شکل‌ها و مدل‌های گوناگون دارد (Held, 1989).

دولت‌های کشورهای مختلف، به‌منظور اعمال کنترل از راه‌های مختلفی استفاده می‌کنند. یکی از راه‌های مراقبت از سیستم مطبوعاتی، مواظبت از قوانین حاکم بر مطبوعات است. هر چه تعداد قوانین بیشتر باشد، مطبوعات آن کشور محدودتر خواهند بود. اگر چه باید دقت شود که کنترل توسط قانون به چه معنی و چرا قانون اعمال می‌شود؟ کنترل می‌تواند از سوی دولت یا خود مطبوعات باشد. بنابراین، یک تئوری مطبوعاتی می‌تواند بر پایه چگونگی عملکرد سیستم مطبوعاتی در کشوری فرمول‌بندی شود که براساس سیستم سیاسی آن کشور پایه‌ریزی می‌شود. سیستم‌های مطبوعاتی متعددی در جهان وجود دارد: برخی آزاد هستند و برخی به‌وسیله دولت کنترل می‌شوند؛ برخی نیمه آزاد و نیمه کنترل شده‌اند. «مارتین» و «چودری» (۱۹۸۳) جهان را به سه سیستم رسانه‌ای تقسیم کردند: سیستم‌های رسانه‌ای جهان اول، سیستم‌های رسانه‌ای جهان دوم، سیستم‌های رسانه‌ای جهان سوم. این یک کلی‌گویی واضح است اگر جهان‌های دیگر هم وجود داشته باشد چه اتفاقی می‌افتد؟ جهان‌های چهارم، پنجم و ششم در نتیجه با فروپاشی بلوک شرق، کشورهای اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی، دیدگاه‌ها و تئوری‌های این کشورها باید مورد ارزیابی مجدد قرار گیرند.

واضح است که جهان سوم، جعبه‌ای است که همه چیز از آن بیرون می‌آید؛ کشورهایی که دموکراتیک، کمونیست، دیکتاتوری، سوسیالیست و... به حساب می‌آیند. سیستم‌های دموکراتیک هم متعدّدند. آمریکا، انگلیس، کانادا، فرانسه، ژاپن، هند، استرالیا و

■ با استفاده از جنبه‌های تجزیه و ترکیب قدرت، می‌توان میزان آزادی یا کنترل سیستم‌های مطبوعاتی را با استفاده از این پنج قدرت (مجریه، مقننه، قضائیه، مطبوعات و مردم) ترسیم کرد.

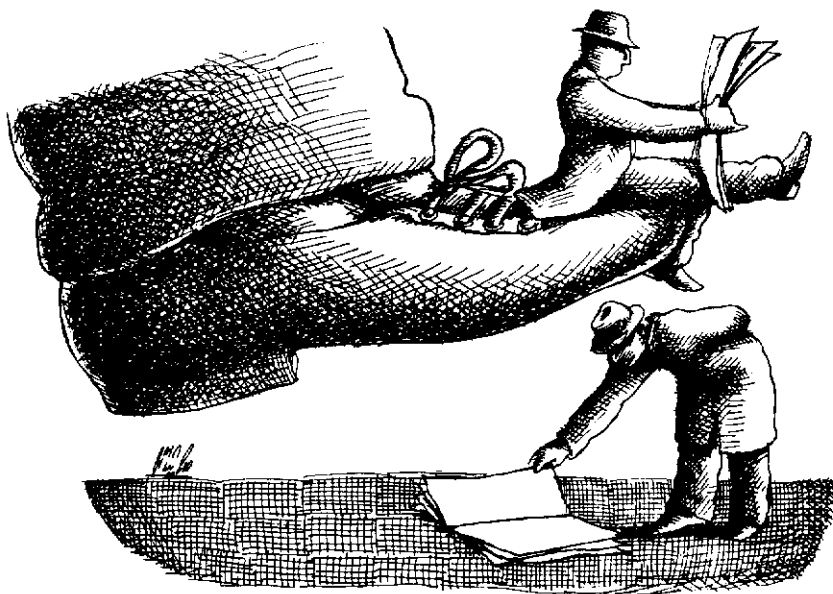
بسیاری از کشورهای دیگر شکلی از دموکراسی خاص خود را دارند. فرضیه «سیبیرت»، مبنی بر این‌که کشورهای غیرکمونیست، تحت تئوری مسؤلیت اجتماعی هستند مناسب نیست، زیرا کشورهای غیرکمونیست زیادی هستند که سیستم‌های سیاسی خاص و متعلق به خود دارند.

در نتیجه، وجود رابطه نزدیک بین سیستم‌های سیاسی و سیستم‌های مطبوعاتی به‌وسیله علمایی چون «سیبیرت» (۱۹۵۶) و «مریل» (۱۹۷۴) احساس شد. براساس نظریه «مریل»، یک سیستم مطبوعاتی در هر اجتماعی، می‌تواند به‌وسیله تمرکز بر فلسفه و بافت حکومتی به دست آید ۱۹۷۴:۲۳. از آنجا که فرضیه‌ها و نظام‌های سیاسی متعدد و متنوع وجود دارند، فرضیه‌های مربوط به رابطه بین روزنامه‌نگاری و دولت هم متعدّدند (Merill 1974).

از سوی دیگر، «انگلس» Inglis شرح می‌دهد که تئوری رسانه‌ای، منشعب از تئوری سیاسی است و تئوری سیاسی در شکل کلاسیک آن، تلاشی است که شرح می‌دهد چگونه جهان عمل می‌کند و چگونه باید عمل کند (Inglis, 1440:18).

این چهار تئوری، مورد استقبال بسیاری از علمای ارتباط جمعی قرار گرفت، اگر چه بقیه مثل «لاوستن» (۱۹۶۶)، «مریل» (۱۹۷۴)، «نیکسون» (۱۹۷۶)، «هاچن» (۱۹۸۱)، «شو» استیونسون» (۱۹۸۴) و «مک‌کوئل» (۱۹۸۳) و (۱۹۸۷) تنها بخشی از آنها را پذیرفتند.

یکی از انتقادهایی که به این چهار تئوری وارد می‌شود این است که این تئوری‌ها، با برجسب سیستم دولتی برخی کشورها مرتبط



است. برای مثال، تئوری شوروی - کمونیست به اتحاد جماهیر شوروی و تئوری لیبرتاریان (آزادی) به ایالات متحده آمریکا وابسته است. در این میان، کشورهای دیگر چه باید بکنند که کاملاً بر این چهار تئوری منطبق نیستند؟ برخی از علمای آمریکایی، این چهار تئوری را متعلق به زمان جنگ سرد بین اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا در دهه سال‌های ۱۹۵۰ می‌دانند (Shaw, Stevenson 1984:134) باید گفت این تحقیقی است که از دیدگاه مردم آمریکا صورت گرفته است.

«مریل» (۱۹۷۴:۳۶) احساس می‌کند در این چهار تئوری، ضعف‌های برجسته‌ای وجود دارد. برای مثال، نمی‌توان تئوری مسؤلیت اجتماعی را با تئوری‌های اقتدار، آزادی و کمونیست مقایسه کرد. تئوری مسؤلیت اجتماعی، تئوری دیگر را سرزنش می‌کند که «مسئول» نیستند و سیستم‌های مطبوعاتی این سه تئوری نمی‌توانند مسؤل اجتماع خود باشند.

«هاچن» (۱۹۸۱:۶۲) در حالی که تئوری‌های اقتدار و کمونیست را می‌پذیرد، تئوری‌های آزادی (لیبرتاریان) را با مسؤلیت اجتماعی ترکیب می‌کند و نام جدیدی به آن می‌دهد: مفهوم یا فرضیه غربی- «هاچن» در عین حال، دو فرضیه دیگر پیشنهاد می‌دهد، انقلابی و توسعه. «هاچن» اعتقاد دارد که تمام سیستم‌های مطبوعاتی، انعکاس سیستم‌های سیاسی و اقتصادی در جایی هستند که مطبوعات عمل می‌کنند.

«شاو و استیونسن» (۱۹۸۴:۱۳۴) می‌گویند این چهار تئوری، شروع خوبی در مقایسه با سیستم مطبوعات دولتی مثل: تعدد Pluralistic و ثبات Stable است. آنها می‌گویند این سیستم‌ها در حلال تاریخی رشد نمی‌کنند. «شاو» و «استیونسن» تئوری‌های جدیدی ارائه ندادند. آنها در جریان تحقیق خود دریافتند که تمام سیستم‌های مطبوعاتی، به رهبر اجرایی بتری می‌دهند ولی جای تعجب است که در یک تئوری، جهان با ثبات و در دیگری دنیا پر از درگیری دیده می‌شود.

«مک‌کوئیل» (۱۹۸۷:۱۱۱) در حالی که چهار تئوری را تأیید می‌کرد تئوری دیگری از خود اضافه کرد: تئوری توسعه رسانه‌ای و تئوری مشارکت دموکراتیک رسانه‌ای (به دلیل رشد جدید در این زمینه). «مک‌کوئیل» احساس می‌کند مادامی که آن چهار تئوری برای

«مک‌کوئیل» و «هاچن» پیشنهاد شدند به کشورهای جهان سوم - یا کشورهای در حال توسعه - مرتبط می‌شوند که مدام دستخوش تغییر هستند و یک تئوری قابل انعطاف برای توصیف عملکردها، سیاست‌ها و نگرانی‌های آنها، در ارتباط با سیستم‌های رسانه‌ای لازم است.

بررسی‌هایی از تجسم قدرت

مسئله قدرت، واقعاً مسئله جدیدی نیست. «مک‌کوئیل» با نگاه همزمان به قدرت، اتحاد عناصر و توسعه درباره آن بحث می‌کند. (Mc Quail 1987:81). وی با نگاه به تئوری توده اجتماع، تئوری مارکسیسم و تئوری ساختار وظیفه‌ای، قدرت را آزمایش می‌کند. براساس تئوری توده اجتماع، رسانه‌ها در محدوده یک انحصار کنترل می‌شوند و یا کار می‌کنند و راهی مهم و مؤثر در سازماندهی توده‌های مردم به شکل ناظر، مصرف‌کننده و رای دهنده هستند.

از نظر مارکسیسم، قدرت اهمیت دارد. در تعبیر مارکسیسم از وسایل ارتباط جمعی، همیشه نگرانی از رسانه، در تحلیل نهایی یک مکانیسم کنترل از طبقه قدرتمند کاپیتالیست یا سرمایه‌دار وجود دارد (Mc Quail 1987:83). قدرت در تئوری ساختار وظیفه‌ای عمیقاً بحث نمی‌شود، حتی اگر انجام آن در سیستم اجتماعی بر رهبری، کنترل و اتفاق تأکید داشته باشد.

«داونینگ»، «محمدی»، و «سیرنی محمادی» قدرت را به منزله عاملی مهم می‌نگرند، بسیار مهمتر از سایر عوامل (در رابطه با وسایل ارتباط جمعی)؛ زیرا تعیین‌کننده اتفاقات هستند (Downing et.al

جوابگویی به سیستم رسانه‌ای کافی باشند به خودی خود سیستم‌های رسانه‌ای با موازین فلسفه‌ای آلترناتیو شکل می‌گیرند؛ حتی اگر شامل آنها نشوند.

انتقاد دیگر این است که این چهار تئوری، جابه‌جایی ندارند. این چهار تئوری، فضایی برای تغییرات اجتماعی ایجاد نمی‌کنند. پاسخ این است که باید تئوری‌های جدید به آنها اضافه شود چنان‌که «هاچن»، «راف» و «مک‌کوئیل» افزودند. استدلال‌های چهار تئوری، شاید تئوری‌هایش را قبول نکنند یا یکی از تئوری‌هایش در سیستم سیاسی به کلی تغییر یابد. این قضیه در مورد تئوری شوروی - کمونیست صدق می‌کند.

با توجه به تغییرهای سیاسی سال‌های اخیر، دیگر اتحاد جماهیر شوروی وجود ندارد. پس تئوری شوروی - کمونیست، بی‌اساس است؛ ولی ممکن است که تئوری کمونیست هنوز هم اعتبار داشته باشد چرا که کشورهای کمونیست دیگری در جهان وجود دارند.

با وجود این، انتقاد دیگری که به چهار تئوری وارد می‌شود این است که براساس نمونه‌های غالب، پایه‌ریزی و بریک تئوری اجتماعی فرض شده است؛ مثل علوم اجتماعی آمریکا و تئوری فرهنگی آن که دموکراسی آزادی‌خواه کاپیتالیست Capitalist Liberal Democracy می‌باشد. براساس صحبت‌های «هال»، شکل ارتباطی بین مورد نمونه تاریخی و سایر نمونه‌های سراسر جهان در تئوری مدرنیته کردن شامل می‌شود (Hall, 1989:44).

تئوری‌های جدیدی که به وسیله

(1990:73) و این پرسش، که چگونه قدرت، اتفاقات را به وجود می‌آورد و عوامل موجود در یک ارتباط قدرتی باید مورد بحث قرار گیرند. «داونینگ» تأکید دارد که تعریف قدرت به آسانی میسر نیست.

در این بررسی، از قدرت به عنوان پایه و اساس استفاده می‌شود. اگر چه این بررسی، برعکس چگونگی نگرش به قدرت در بحث آتی، به خصوصیات حکومتی اعم از مجریه، مقننه، قضائیه، مطبوعات و مردم می‌نگرد. قدرت اجرایی، بحث اصلی است. چنانچه هر پنج اصل مساوی باشند و اصلی، اصول دیگر را کنترل نکند، گفته می‌شود که تفکیک قدرت وجود دارد؛ کنترلی نیست و در یک ترکیب قدرت، کنترل به طور مطلق وجود دارد. در یک تفکیک قدرت واقعی، کنترل نیست و در یک

■ چهار تئوری ارائه شده «سیبیرت» با سیستم‌های مطبوعاتی کشورهای عربی هماهنگی ندارد. بنابراین، «راف» برای توصیف سیستم مطبوعاتی

۱۸ کشور عربی مورد مطالعه، سه تئوری دیگر را پیشنهاد کرد: تئوری بسیج مطبوعاتی، تئوری مطبوعات حامی و تئوری مطبوعات گوناگون.

ترکیب قدرت واقعی، کنترل به طور مطلق هست. ولی بین این دو افراط، اشکال متعددی از قدرت وجود دارد.

این ترکیب و تفکیک قدرت به مفهوم ممانعت و توازن را، «جان لاک» فیلسوف قرن هفدهم (۱۷۰۴-۱۶۳۲) پیشنهاد داد که قوای مقننه و مجریه باید برای جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت، از هم جدا باشند (Russell 1987:637). اگر چه «لاک» در پیشنهاد خود هیچ اشاره‌ای به قوه مقننه نکرد. (Russell 1987:637). «چارلز لوئیس دوسکوند» «بارون دومونتسکیو» (۱۷۵۵-۱۶۸۹) به تفکیک قوای سه‌گانه بهای بیشتری دادند (Held 1987:57).

پیشنهادهای «لاک» و «مونتسکیو»، به دکتترین تفکیک سه قوه مقننه، اجرائیه و قضائیه که از ویژگی‌های آزادی است بها داد. تفکیک این سه قوه دولتی، توازن بین آنها را بیشتر کرد.

اگر چه در واقع، بعضی اوقات، قوه مقننه از مجریه قوی‌تر است و بعضی وقت‌ها، مجریه از مقننه یا مقننه از دو قوه دیگر قوی‌تر می‌شود. بعضی وقت‌ها هم مجریه و مقننه، قدرت‌ها را ترکیب می‌کند.

مطبوعات، به دلیل ایجاد توازن و ممانعت و به عنوان رکن چهارم، به سه قوه اضافه می‌شوند. مفهوم وضعیت چهارم یا رکن چهارم، به وسیله «آدموند برک» و «توماس. بی. مک‌کالی» در پارلمان انگلیس به مطبوعات نسبت داده شد (Meril, 1974:116). این مفهوم از اقیانوس اطلس گذشته و در ایالات متحده آمریکا به طور وسیع استفاده شد. (Merill 1974: 116).

دکتترین تفکیک سه قوه می‌تواند گسترش یابد و با اضافه کردن مردم به آن، جنبه دیگری از قدرت را کسب کنند. در یک روند دموکراتیک، رأی دهندگان (مردم) عامل مهمی به حساب می‌آیند. دموکراسی بدون آنها معنی ندارد (Idid, 1992:4). مردم به عنوان رکنی از قدرت، می‌توانند از طریق انتخابات، یا تظاهرات، یا سناریویی نامطلوب‌تر- یعنی انقلاب - عمل کنند. در سال ۱۹۹۲ در تایلند، مخالفان دولت با کمک مردم توانستند رهبر نظامی را که حاضر به انجام انتخابات عمومی نمی‌شد سرنگون کنند. در کشور بنگلادش هم، مردم برای سرنگونی رژیم نظامی به خیابان‌ها ریختند. در فیلیپین، همان قدرت مردمی، باعث سرنگونی «مارکوس» رئیس‌جمهوری و روی کار آمدن «کوری آکینو» شد.

این، قدرت مردم بود که رژیم‌های کمونیست در اروپای شرقی را منهدم کرد، با لهستان آغاز و به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ختم شد. شاه پهلوی ایران هم به وسیله قدرت مردمی به رهبری آیت‌الله خمینی سرferود آورد. اینها، تنها چند نمونه از ماهیت قدرت مردم است. در مواقعی هم شاید قدرت مردم آنقدر کارساز نباشد. اگر چه دولت‌های بسیاری از کشورها به افکار عمومی توجه دارند. بررسی‌ها و مطالعات، خارج از جنبه انتخابات و افکار عمومی بر تصمیمات دولت تأثیرگذار است. این به معنی آن است که مردم می‌توانند عامل قدرت در جنبه قدرتی این تحقیق باشند. «داونینگ» (Dawning et.al) می‌گوید مردم به عنوان یک منبع قدرت، حتی اگر به عنوان یک جنبش اجتماعی محسوب شوند... دارای قدرتی مانند قدرت تغییر دادن

هستند (Dawning 1990:73).

براساس بحثی که به ایجاد بُعد قدرت - شامل قوای سه‌گانه - منتهی شد، مطبوعات و مردم، هم خواهان تفکیک و یا ترکیب قدرت هستند. هر «دولتی» مسؤول سه قوه مجریه - مقننه و قضائیه است. همین امر به طرق مختلف بر قدرت مطبوعات و مردم اثر می‌گذارد.

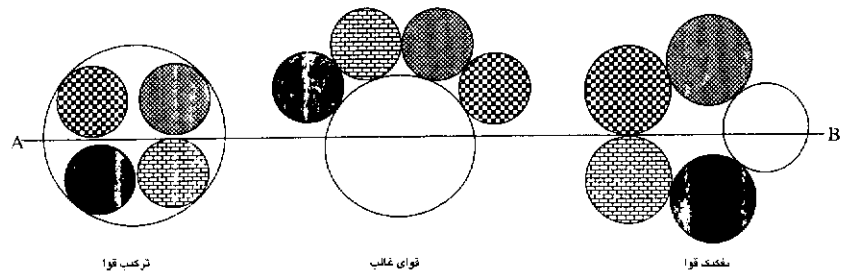
اگر هر سه قدرت ترکیب شوند، گفته می‌شود که یک پارچگی قدرت‌ها وجود دارد، و اگر تفکیک و موازنه شوند، گفته می‌شود که جدایی سه قوه وجود دارد. از سوی دیگر، اگر قوه مجریه از دو قوه دیگر قدرتمندتر باشد در این صورت، یک قدرت غلبه دارد؛ در صورتی که هر پنج قدرت، به یکدیگر مرتبط هستند.

سه شکل مطبوعاتی در پایین‌ترین سطح و براساس تجسم قدرت وجود دارد. این اشکال، با کنار هم گذاردن قدرت‌ها، در یک زنجیره حاصل می‌شوند. در انتهای زنجیره تفکیک قدرت‌ها به صورت این که هر پنج قدرت، مشابه و مساوی هستند وجود دارد. در انتهای دیگر زنجیره، ترکیب قدرت‌ها وجود دارد به طوری که چهار قدرت زیر قوه مجریه می‌باشند. در وسط زنجیره، شکلی است که در آن، قوه مجریه بر قوای دیگر مسلط است. این سه شکل را می‌توان تفکیک قدرت‌ها، ترکیب قدرت‌ها و قدرت غالب نامید (نمودار ۱).

ترکیب قوا یا تئوری استبدادی کاملاً همخوانی دارد، در حالی که تفکیک قوا در ابعادی وسیع مشابه آزادیخواهی است و غلبه یک قدرت را می‌توان در سیستم‌های مطبوعاتی کشورهای در حال توسعه یافت. شاید که این تجسم قدرت، مشکل تشخیص سیستم‌های مطبوعاتی کشورهای جهان سوم و کشورهای در حال توسعه را که دارای سیستم‌های مطبوعاتی کاملاً متفاوت با سایر کشورها هستند را حل کند.

«مک فرسون» Macpherson مدرس سیستم‌های دموکراتیک دولتی، همه کشورهای جنوب آسیا و شرق آسیا، غیر از چین، کره شمالی و ویتنام شمالی را متفاوت با مفهوم دموکراتیک - آزادیخواه غربی و دموکراسی - که مارکس و لنین فرموله کرده‌اند - می‌بیند (Mpherson 1966: 23).

به عقیده «مک فرسون»، مفهوم دموکراتیک از «جهان سوم»، مفهوم جدیدی است ولی از دو مفهوم دیگر قدیمی‌تر است،



- مجریه
- مقننه
- ⊗ قضائیه
- ⊘ مردم
- ⊙ مطبوعات

ایدئولوژی یا فلسفه هر کشوری، یکی را از دیگری متمایز می‌کند. این ایدئولوژی، پوششی نازک بر سیستم دولتی است. با کنار رفتن این پوشش، می‌توان پیکره پنج قدرت را دید. قوه مجریه در تعریف، ارگان یا نهادی است که سیاست‌های دولت را اجرا می‌کند. شاخه مجریه شامل وزرای کابینه، ادارات دولتی، پلیس و ارتش می‌شود. قانونگذاری یا مقننه، قوانین را برای مجریه تدوین می‌کند. سیستم قضایی هم، قلمرو قوه قضائیه است.

مردم در یک سیستم دموکراتیک دولتی، مقتدر هستند. آنها می‌توانند دولتی را سرکار بیاورند یا دولتی را برکنار کنند و این، شکست دولت خواهد بود. پس دولت، همواره سعی می‌کند مورد قبول مردم باشد. اگر چه مردم، تنها از طریق انتخابات احساسات خود را بیان نمی‌کنند بلکه به وسیله افکار عمومی و... هم این کار صورت می‌پذیرد.

از سوی دیگر، گفته می‌شود مطبوعات در صورتی که از دولت انتقاد کنند یا به عنوان مخالف دولت عمل کنند، قدرت دارند. عقیده بر این است که مطبوعات، نماینده مردم هستند، ولی این عقیده جای بحث دارد؛ زیرا «مطبوعات، تنها نماینده خود و نه کس دیگری هستند» (Mahathir in Mehra 1989). به عبارتی دیگر، از مطبوعات می‌توان برای نفوذ در مردم، برای حمایت از دولت هم استفاده کرد.

مفهوم آزادی و کنترل

به طور کلی، کنترل را می‌توان به کنترل قانونی و غیرقانونی تقسیم‌بندی کرد. از سوی دیگر، «لووستین» کنترل را، زنجیره‌ای از کنترل آزاد می‌بیند. وی برای تحقیقی در مورد آزادی مطبوعات در سال ۱۹۶۶، از همین مطلب به عنوان میزانی از دموکراسی سیاسی استفاده می‌کند. «لووستین» می‌گوید:

یک سیستم مطبوعاتی آزاد، سیستمی است که در آن روزنامه‌ها، مجلات، آژانس‌های خبری، کتابها، رادیو و تلویزیون استقلال کامل و توانایی انتقاد دارند. مطبوعات به هیچ وجه مالکیت متمرکز، واحدهای اقتصادی در حاشیه یا آئین‌نامه‌های ویژه ندارند.

یک سیستم مطبوعاتی کنترل شده، سیستمی است که هیچ‌گونه استقلال، یا توانایی انتقاد ندارد. تحت این سیستم روزنامه‌ها، مجلات، کتابها، آژانس‌های خبری، رادیو و

تفکیک قوا پیش می‌آید. وقتی قوه مجریه نتواند مقننه را کنترل کند در این صورت قدرت‌ها از هم متفکک هستند، شاید به این دلیل که تعداد طرفداران دولت، به اندازه مخالفان در مقننه نیستند. ایالات متحده آمریکا نمونه خوبی است. در زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان، کاخ سفید تحت کنترل جمهوری خواهان بود، در حالی کنگره را دموکرات‌ها کنترل می‌کردند. رییس جمهور، حق و تو دارد و با همین وسیله می‌تواند هر قانونی را که به وسیله مقننه تصویب می‌شود رد کند.

قوه مجریه، همیشه در یک سیستم پارلمانی، قوه مقننه را کنترل می‌کند؛ چرا که رییس مجریه برای رهبری دولت برگزیده می‌شود و باید رأی اعتماد اکثریت اعضای قانونگذار را داشته باشد. اگر چه در یک دولت اقلیت، مخالف رییس مجریه ثبات ندارد و هر زمان، به وسیله رأی عدم اعتماد برکنار می‌شود.

مفهوم قدرت

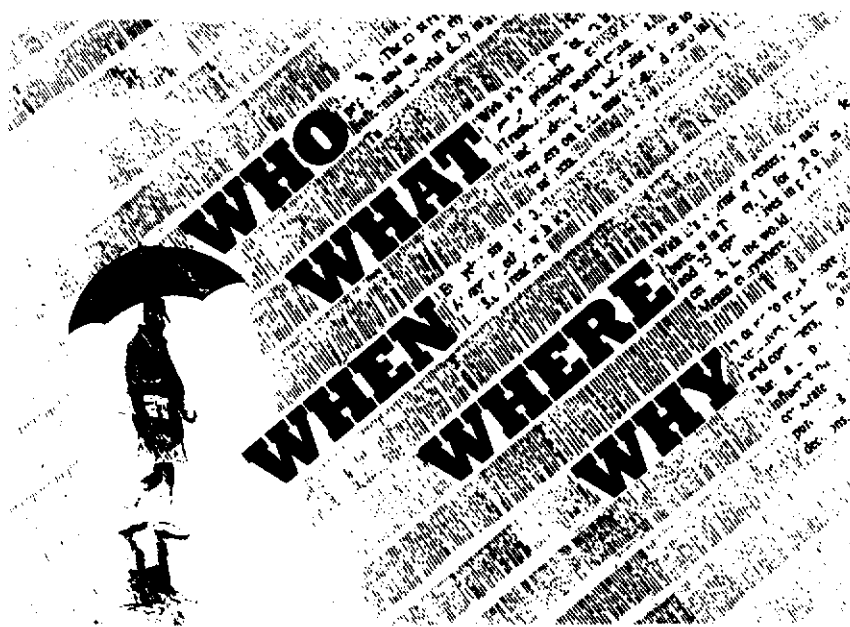
تجسم قدرت، با به کارگیری قدرت مطرح شد که با آزادی و کنترل، سه عامل اصلی از پنج عاملی است که به وسیله «مک‌کوایل» بیان شد (Mac Quail 1987:315). اگر چه دو عامل دیگر - که مساوات و همبستگی باشند - را نمی‌توان لمس کرد. پیشنهاد این است که مفهوم قدرت، آزادی و کنترل توسعه داده شود. در نتیجه، چهار تئوری «سبیرت» با قدرت روبرو می‌شود.

پنج قدرت یعنی مجریه، مقننه، قضائیه، مطبوعات و مردم در همه کشورها وجود دارند.

چرا که به فرضیه قدیمی دموکراتیک برمی‌گردد و از مارکس و کشور آزاد جدیدتر است که طبق آن دولت، از مردم مظلوم و برای آنهاست (Macpherson 1966:24). در کشورهای در حال توسعه، میل به کسب استقلال فرصت خوبی فراهم می‌آورد تا حزب مقتدر یا جنبش توده‌ای به وجود آید (Macpherson 1966:25). بعد از کسب استقلال هم، همین وضع ادامه می‌یابد و سیستم تک حزبی یا دست‌کم سیستمی با یک حزب مقتدر و غالب به وجود می‌آید که حزب، در قوه مقننه دارای اکثریت بزرگی است و از نیروی سیاسی و پلیس، در رقابت با سایر احزاب استفاده می‌کند (Macpherson 1966:25).

تفاوت بین تسلط مطبوعات در کشوری نسبت به کشوری دیگر را می‌توان با موقعیت آن کشور جهان سومی یا در حال توسعه تشخیص داد. برای مثال، اگر یک حزب سیاسی حاکم است آن حزب را یک قدرت سیاسی مطلقه می‌بینند و اگر ارتش نفوذ بیشتری بر سیاست‌ها دارد یک قدرت نظامی - سیاسی حاکم به وجود می‌آید. شاه هم می‌تواند حاکم باشد و به قدرت حاکم سیاسی سلطنتی پروبال بدهد.

این نشان می‌دهد که شکل قدرت حاکم، شکلی کاملاً محفوظ و مستمر است و می‌تواند خود را با دولت تطبیق دهد. شکل قدرت حاکم می‌تواند به تفکیک قدرت‌ها تغییر شکل دهد. اگر به طور مثال، ارتش دیگر یک قدرت سیاسی نباشد، آن‌گونه که در تایلند اتفاق افتاد؛ اگر قوه مجریه حاکم نباشد و حزب دولتی و مخالف در قوه مقننه قدرت مساوی را داشته باشند،



تلویزیون کاملاً و مستقیماً به وسیله دولت کنترل می‌شوند و دارای نهادهای تنظیمی و مالکیت متمرکز هستند. (Lowenstein, 1976:138).

«لووستین» از ۲۳ عامل برای اندازه‌گیری آزادی مطبوعات که آن را استقلال مطبوعات و توان انتقاد (Press Independence, (PICA and Critical Ability نامید، استفاده کرد. نخستین عامل، کنترل از طریق قانون است که شامل: سانسور، تحقیر، تصحیح و در آوردن خبرها به زور، توقیف و تضمین می‌شود. دومین عامل، کنترل اضافی مانند: تهدید، خشونت، حبس، بازداشت و... می‌باشد. عامل سوم، قانون توهین است. عامل دیگر، کنترل دولتی بر چاپ، مجوز، مالکیت رسانه‌ها به وسیله دولت یا حزب دولتی است (Lowenstein 1974: 138-139).

«نیکسون» (۱۹۷۶) از سوی دیگر، یک نشانه‌شناسی هفت ماده‌ای را برای کنترل مطبوعات در ۶۱ کشور پیشنهاد داد. این نشانه‌ها شامل: تنبیه، کنترل مطبوعات، کنترل خبرهای رسمی، کنترل کارکنان روزنامه‌ها، کنترل محتوای روزنامه، کنترل از طریق سانسور و کنترل از طریق توزیع می‌شد (Nixon 1979:153-154). تحقیق «نیکسون»، زنجیره‌ای را از آزادی مطلق تا کنترل مطلق را ترسیم می‌کند.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود «لووستین» و «نیکسون» تنها به مطبوعات توجه کردند، در حالی که پیشنهاد چگونگی تجسم قدرت جنبه وسیعی از کنترل را در بردارد.

کسی نمی‌تواند از مطبوعات در انزوا سخن بگوید. در کشوری که مطبوعات کنترل می‌شوند، در همه احتمالات، سایر جوانب زندگی هم کنترل می‌شوند. تنها، کنترل مطبوعات بی‌معنی است. مردم هم مانند قوای مقننه و قضائیه باید کنترل شوند.

دکترین تفکیک قدرت، با هدف ممانعت یا کنترل قوه مجریه به منظور جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت به وجود آمد. قوه مجریه، حتی با تفکیک قوا هم، به موقع خود از قدرت‌های دیگر قوی‌تر است. بنابراین در کشوری که انتخابات منظم دارد، تنها مردم می‌توانند دولتی را برکنار کنند (مثل مقننه) که تشخیص دهند دولت مناسبی نیست. در تئوری تنها، مردم می‌توانند دولتی را که دوست ندارند برکنار کنند. اگر چه چنین کنترلی، تنها زمانی که

مخالف، قدرت نادیده گرفتن لوایح دولتی را ندارد. لوایحی که به وسیله قوه مقننه یا هر جریان دیگری بدان منظور نوشته می‌شود.

قوه مجریه می‌تواند قوه قضائیه را کنترل کند. این کنترل، از طریق قانونگذاری یا مقننه مؤثر است. قوه مجریه می‌تواند قوانینی که، قوای قضائیه را با افزودن تبصره بی‌طرف می‌کند قانونی نماید. در این صورت، دادگاه چاره‌ای ندارد جز این‌که تبصره را همان‌طوری که در قانون گفته شده است تصویب کند.

قوه مجریه می‌تواند مطبوعات را از طریق قوانین و مقررات کنترل کند. مالکان مطبوعات هم می‌توانند بر سیستم مطبوعاتی مؤثر باشند. مالکان روزنامه‌ها از طریق قدرت سیاسی، در دست طرفداران حزب خواهند بود. این روزنامه‌ها، پشتیبان دولت هستند.

قوه مجریه، از طریق قوانین امنیتی و دستورات عمومی بر مردم تسلط دارد. علاوه بر این، قوه مجریه از طریق تجارت و بازرگانی و... هم بر مردم مسلط است.

اشکال تفکیک و ترکیب قوا

یکی از راه‌های نگاه کردن به چگونگی شکل‌پذیری پنج قدرت، ساختن الگوهاست. بدین منظور، از دایره استفاده می‌شود. دو دایره را می‌توان در ارتباط با هم استفاده کرد؛ یکی بزرگ و دیگری کوچک.

در همه اشکال، قوه مجریه مرجع خواهد بود. دایره کوچکتر از دایره‌ای که قوه مجریه را نشان می‌دهد تحت کنترل قوه مجریه می‌باشد، حتی اگر آزاد هم باشد، اگر دوایر مساوی با مجریه باشد گفته می‌شود که دایره دیگر از نظر

انتخابات صحیح، مناسب و عاری از تقلب باشد مؤثر است. جدای از انتخابات، شکل مؤثر دیگری که مردم می‌توانند مخالفت خود را نشان دهند از طریق تظاهرات است. اگر دولت با اعتراض‌های آنها موافق بود، اقدام مقتضی صورت می‌گیرد.

در سیستمی دولتی بدون انتخابات، راه کنترل دیگری جز انقلاب مؤثر نخواهد بود. مطبوعات می‌توانند عدم رضایت مردم را نقل کنند، ولی تنها در یک سیستم مطبوعاتی همراه با تجزیه قوا عملی است. این ابزار عدم رضایت مردم در یک قدرت غالب و مسنط، ممکن است اتفاق افتد؛ این امر در ترکیب قوا، در همه احتمالات، اتفاق می‌افتد.

آنچه مسلم است این است که قوه مجریه، تمایل دارد سایر قوا را کنترل کند. مجریه می‌تواند مقننه را کنترل کند. این امر از طریق یک حزب قدرتمند ممکن است. اعضای قانونگذار می‌گویند اجابت این امر، از طریق حرکت حزب حاصل می‌شود. اگر حزب به وکلای پشتیبان دولت دستور دهد از لایحه‌ای حمایت کنند، وکلا حق ندارند خلاف دستور عمل کنند. اعضای قوه مقننه هم رهبران حزب سیاسی قدرتمند هستند. اگر وکلا، خلاف خواسته‌های رهبری عمل کنند، دیگر امکان ندارد در انتخابات آینده بار دیگر به نمایندگی حزب انتخاب شوند. حتی قوه مقننه هم نمی‌تواند به عنوان یک ارگان وابسته عمل کند و مکانیسم مخالفت و توازن علیه مجریه باشد. تنها اعضای مخالف در قانونگذاری، ظرفیت ایفای آن نقش را دارند. ولی چون که مقننه وظیفه مهمی در قانونگذاری دارد، حزب

قدرت، با مجریه مساوی است.

دوم، جایگاه دایره‌ها در رابطه با دایره قوه مجریه است. اگر دایره‌های دیگر، در داخل دایره قوه مجریه قرار گرفته باشند به این معنی است که قوای دیگر، برای قوه مجریه سودمند هستند و اگر دایره‌ها، خارج از دایره قوه مجریه باشند ولی از دایره مجریه کوچکتر باشند، بدین معنی است که سایر قوا، تحت کنترل قوه مجریه هستند. اگر همه دایره‌ها از نظر اندازه مساوی باشند، در قدرت هم مساوی‌اند.

جایگاه هریک از دایره‌ها به شرح زیر مشخص می‌شود:

۱. اگر کشور از مفهوم تفکیک قوا استفاده کند، دایره‌ها نشان‌دهنده قوه مقننه و قضائیه خارج از دایره مجریه هستند. هر چند اگر هریک از دو قوه تحت کنترل مجریه باشند، دایره نشان‌دهنده آن است که آن قدرت، کوچکتر از دایره مجریه خواهد بود.

۲. اگر همه روزنامه‌ها به دولت تعلق داشته باشند، دایره نشان‌دهنده مطبوعات داخل دایره نشان‌دهنده قوه مجریه خواهد بود؛ ولی اگر بخشی یا همه مطبوعات متعلق به بخش خصوصی باشند، دایره نشان‌دهنده مطبوعات خارج دایره مجریه خواهد بود. اگر روزنامه‌ها بدون کنترل کارکنند، دایره مطبوعات به اندازه دایره مجریه خواهد بود. هر چند، اگر مطبوعات کنترل شده باشند، دایره مطبوعات کوچکتر از دایره مجریه خواهد بود.

۳. اگر کشور مستقل نیست، دایره نماینده مردم، داخل دایره قوه مجریه خواهد بود. حتی اگر مردم مستقل نباشند ولی نظراتشان به وسیله مجریه مدنظر قرار بگیرد (قدرت استعماری) دایره نماینده مردم، خارج ولی کوچکتر از مجریه خواهد بود. از سوی دیگر، اگر کشورهای هستند که مستعمره نیستند ولی مردم آن در انتخابات دولت‌شان آزادند، دایره نماینده مردمی، داخل دایره مجریه خواهد بود. در کشورهای مستقل، جایی که مردم دولتشان را انتخاب می‌کنند، دایره نماینده مردم، خارج از دایره مجریه قرار دارد. اگر مردم از طریق قوانین مختلف کنترل می‌شوند، دایره نماینده مردم، کوچکتر از دایره نماینده مجریه خواهد بود. آزادی و کنترل را از دو راه می‌توان مشاهده کرد: یکی به عنوان یک عمل ویژه مشاهده شده و از این طریق، همه چیز به عنوان یک انتخاب صریح مثل، بله و نخیر، واقعیت و غیرواقعیت، صفر یا یک و غیره

نگریسته می‌شود. راه دیگر، این است که آزادی و کنترل به منزله زنجیره‌ای - طبق آنچه که در اول شرح داده شد - نگریسته شود. این راهی است که ریاضیات بدان می‌نگرد. یعنی اینکه ارزش‌های دیگری بین آزادی و کنترل وجود دارند، بله یا نخیر، واقعیت یا غیرواقعیت، صفر یا یک. مثلاً بین صفر و یک، ما می‌توانیم اعداد زیر را داشته باشیم:

۰/۸۰۰/۷۰۰/۶۰۰/۵۰۰/۴۰۰/۳۰۰/۲۰۰/۱۰۰

۱۰۰/۹

از این طریق، سه مدل عمومی را با استفاده از ویژگی‌های پنج قدرت و به وسیله قراردادن آنها در یک زنجیره می‌توان شکل داد مثل مدل تفکیک قوا، مدل قوای مسلط و چیره و مدل قوای مرکب (نمودار ۱). به وسیله تغییر جایگاه چهار دایره دیگر، یا خارج و یا داخل دایره مجریه، و به وسیله بزرگ و کوچک کردن دایره‌ها، ما پیکره‌ها یا اشکال مختلفی خواهیم داشت. جهت نشان دادن اشکال مختلف، برای هر قدم تنها یک حرکت صورت می‌گیرد. این تغییرات را می‌توان در نمودار ۲ دید. برای مثال، تغییر نوع آ به نوع ام، ۱۳ مدل مختلف به وجود می‌آورد. به طوری که مشاهده می‌شود تفاوت در برخی مدل‌های بسیار نزدیک مهم است. بنابراین، داشتن ۱۳ مدل عملی نیست. برای سهولت بیشتر، این مدل‌ها را می‌توان گروه‌بندی کرد. مطالب زیر خلاصه‌ای از اشکال است:

نوع آ. ترکیب قوا (به طور مطلق) - چهار قدرت برای قوه مجریه سودمند هستند (ویژگی‌های مدل - چهار دایره در میان دایره قوه مجریه قرار دارد).

نوع ب. ترکیب قوا (کاملاً مطلق) - سه قدرت برای قوه مجریه سودمند هستند، آخرین دایره تحت کنترل مجریه است (ویژگی‌های مدل - سه قدرت میان دایره مجریه قرار دارند و یک دایره کوچک خارج از قوه مجریه است).

انواع ث، د و ی - ترکیب قوا (غیرمطلق) - دو نیرو برای مجریه سودمند هستند و دو نیروی دیگر، تحت کنترل آن می‌باشند (ویژگی‌های مدل - دو دایره در میان دایره مجریه قرار دارد و دو دایره کوچک، خارج از دایره مجریه هستند).

انواع ف، ج، و ه - ترکیب نیرو (کاملاً غیرمطلق) - یک نیرو برای مجریه سودمند است و سه نیروی دیگر تحت کنترل مجریه هستند (ویژگی‌های مدل - تنها یک دایره در

■ سیستم‌های مطبوعاتی متعددی

در جهان وجود دارد: برخی آزاد

هستند و برخی به وسیله دولت

کنترل می‌شوند؛ برخی نیمه آزاد و

نیمه کنترل شده‌اند.

■ «مک‌کوئل» در حالی که چهار

تئوری را تأیید می‌کرد دوتئوری

دیگر از خود اضافه کرد: تئوری

توسعه رسانه‌ای و تئوری مشارکت

دموکراتیک رسانه‌ای. وی احساس

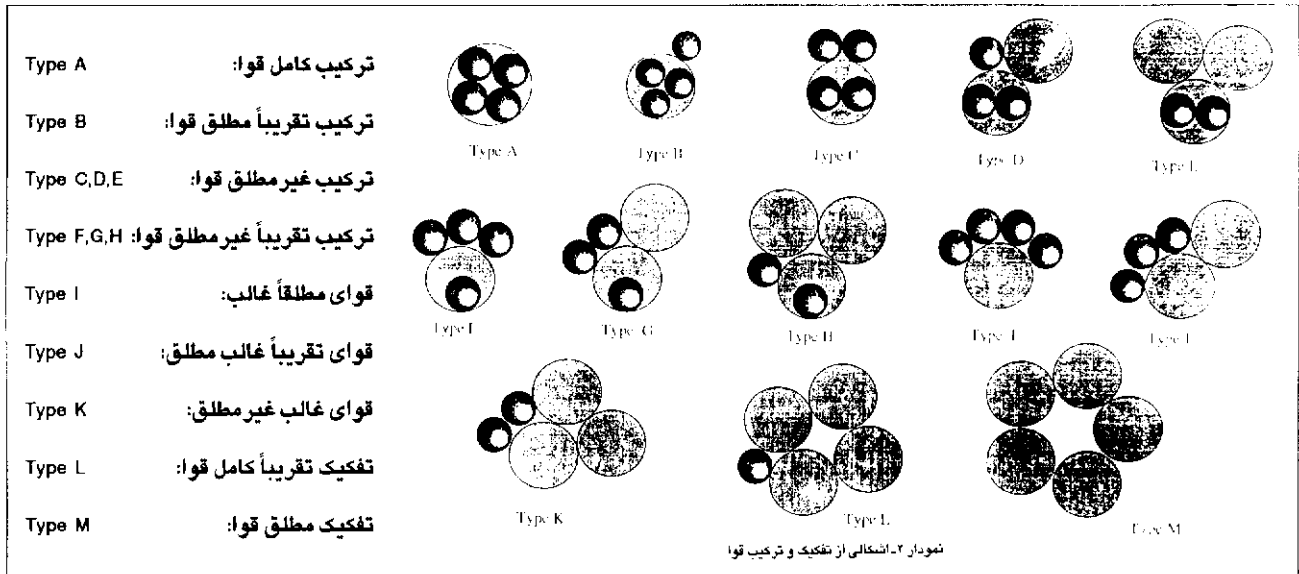
می‌کند مادامی که آن چهار تئوری

برای جوابگویی به سیستم

رسانه‌ای کافی باشند به خودی خود،

سیستم‌های رسانه‌ای با موازین

فلسفه‌ای آلترناتیو شکل می‌گیرند.



۵. مطلقاً مرکب (کنترل کامل).

نتیجه‌گیری:

این نوشتار، پیشنهاد می‌کند که سیستم‌های مطبوعاتی از دید قدرت‌ها نگریسته شوند. پیشنهاد این است که سیستم‌های مطبوعاتی براساس نظریه تفکیک قوا بین مجریه، مقننه و قضائیه پایه‌ریزی شوند. مفهوم تفکیک قوا در مطبوعات به عنوان ابزاری اضافی جهت انجام صحیح‌تر عمل ممانعت و توازن تلقی شود. با افزودن مردم به این مفهوم، این نوشتار، تفکیک و ترکیب قوا را به عنوان راهی جهت مشاهده سیستم‌های مطبوعاتی پیشنهاد می‌کند. می‌توان با شکل دادن به پنج عامل قدرت، مدل‌های واضح سیستم مطبوعاتی را ترسیم کرد. با برداشتن یک قدم در زمان مقتضی، می‌توان بین یک مدل و مدل‌های دیگر تفاوت به وجود آورد، به طوری که ۱۳ مدل می‌توان ارائه داد. برخی از مدل‌ها از نظر تفاوت بین آنها، بسیار نزدیک به هم هستند. ارائه چنین مدل‌هایی، شخص را قادر می‌سازد شکاف عمیق بین مطبوعات آزاد و کنترل شده را ببیند. این به هیچ عنوان به منزله پایان تحقیق نیست. امید است این نوشتار، بتواند به‌طور همزمان، بحث را مطرح کند که به دستاوردهای جدید منتهی شود. □

* محمدصفر هاشم استاد دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه کبائنگ سوام مالزی است و مقاله حاضر را به بیستمین مجمع عمومی و کنفرانس علمی انجمن بین‌المللی تحقیقات ارتباط جمعی ۱۸ تا ۲۲ اوت ۱۹۹۶، سیدنی - استرالیا ارائه کرده است.

میان دایره مجریه است و سه دایره کوچکتر، خارج از دایره مجریه می‌باشند).

نوع ای - قدرت برتر، غالب (مطلق) - مجریه چهار قدرت دیگر را کنترل می‌کند (ویژگی‌های مدل - تمام چهار دایره خارج از دایره مجریه هستند؛ آنها کوچکترند چرا که تحت کنترل می‌باشند).

نوع جی - قدرت غالب (کاملاً مطلق) - یکی از قدرت‌ها در وضعیت مشابه مجریه است و سه نیروی دیگر تحت کنترل مجریه (ویژگی‌های مدل - یکی از دایره‌ها هم اندازه مجریه و سه دایره دیگر کوچکتر هستند).

نوع کا - قوای غالب (غیرمطلق) - دو قوه در وضعیت مشابه مجریه و دو قوه دیگر، کوچک هستند (ویژگی‌های مدل - دو دایره به اندازه مشابه یا مجریه و دایره‌هایی کوچکتر می‌باشند).

نوع ال - تفکیک قوا (کاملاً کامل) - سه نیرو آزاد و در وضعیتی یکسان با مجریه، ولی یکی از دایره‌ها کوچک است (ویژگی‌های مدل - سه دایره با اندازه مساوی با مجریه و یکی کوچک است).

نوع ام - تفکیک قوا (مطلق) - تمام پنج قوه آزاد و با وضعیت‌های یکسان می‌باشند. (ویژگی‌های مدل - هر پنج دایره - به یک اندازه هستند).

تمام این نوع‌ها برای کارهای عملی، باید در پنج گروه قرار گیرند: با نام‌های:

۱. مطلقاً تفکیک شده؛
۲. کاملاً تفکیک شده (سه ربع آزاد)؛
۳. قدرت غالب (نیمی آزاد)؛
۴. کاملاً مرکب (یک ربع آزاد)؛

■ «سیبیرت» می‌گوید همیشه

مطبوعات به شکل و رنگ اجتماع و ساختارهای سیاسی، که در آن چارچوب کار می‌کنند در می‌آیند. این امر، به سیستم کنترل اجتماعی برمی‌گردد که در آن، پیرامون روابط فردی و اشتراکی قضاوت می‌شود.